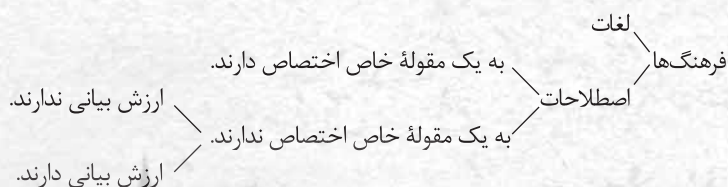


واژه/ فرهنگ لغت	برهان قاطع	آندراج	لغت نامه	معین	در اصل استعاره از
زال گوژپشت	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	آسمان، فلک
زرین صدف	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	خورشید
سلطان فلک	کنایه	—	کنایه	کنایه	آفتاب
طوطی صحرا	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	سبزه
لعل	کنایه	—	کنایه	کنایه	لب محبوب
نرگس	کنایه	کنایه	کنایه	کنایه	چشم محبوب
نعل شام	کنایه	—	کنایه	کنایه	هلال ماه



چند فرهنگ فارسی مورد بررسی قرار گرفت. همه این واژه‌ها را فرهنگ‌ها کنایه نامیده‌اند؛ در حالی که آن‌ها در اصل استعاره‌اند. موارد یاد شده، در نمودار زیر نشان داده شده‌اند.

تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها

برخی از کتاب‌ها جامع همه واژگان و ترکیبات گنجینه زبان هستند و فرهنگ نامیده می‌شوند؛ مثل لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین. برخی دیگر از کتاب‌ها، براساس جنبه مشخصی از یک زبان و در زمینه خاصی تنظیم و تهیه شده‌اند و «فرهنگ‌واره» (ستوده، ۱۳۷۴: ۳۲۰) نامیده می‌شوند؛ چون همه لغات و ترکیبات را دربردارند.

اقسام فرهنگ‌ها از دیدگاه علم بیان

الف) فرهنگ‌هایی که دربردارنده اصطلاحات، ترکیبات و تعبیرات عمومی هستند؛ مثل فرهنگ‌نامه شعری تألیف عقیقی؛ (ب) فرهنگ‌هایی که به یک مقوله خاص اختصاص دارند؛ مثل فرهنگ اشعار صائب تألیف گلچین معانی. از لحاظ ارزش بیانی نیز فرهنگ‌ها را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. فرهنگ‌هایی که از نظر علم بیان مورد تطابق و اسنادند و به عبارت دیگر، ارزش بیانی دارند؛ مثل فرهنگ‌نامه کنایه. تألیف منصور میرزانیانیا.
۲. فرهنگ‌هایی که ارزش بیانی ندارند؛ مثل فرهنگ کنایات تألیف منصور میرزانیانیا. (نمودار)

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی از بحث، درباره کنایه در فرهنگ‌های لغت، می‌توان گفت:

۱. کنایه در فرهنگ‌های لغت با کنایه در علم بیان تفاوت دارد؛ بدین معنی که کنایه در فرهنگ‌های لغت در مفهوم عام به کار می‌رود و شامل مجاز و استعاره می‌شود اما کنایه در علم بیان در مفهوم خاص مورد نظر است.
۲. فرهنگ‌های لغت معتبری برای معانی کنایه و تشخیص کنایه از دیگر مباحث بلاغی نیست.
۳. کنایه در فرهنگ‌های لغت ارزش آموزشی و بیانی ندارد.

منابع

۱. ثروت، منصور؛ فرهنگ کنایات، چ ۲، تهران، سخن، ۱۳۷۵.
۲. رضا انزلی‌نژاد، فرهنگ لغات عامیانه و معاصر، چ ۱، تهران، سخن، ۱۳۳۷.
۳. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۴. ستوده، غلامرضا؛ مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چ ۴، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۵. سجادی، سیدجعفر؛ فرهنگ معارف اسلامی، چ ۲، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، ایران، ۱۳۶۲.
۶. شمیسا، سیروس، بیان، چ ۲، تهران، میترا، ۱۳۸۶.
۷. فرشیدورد، خسرو؛ درباره ادبیات و نقد ادبی، چ ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۸. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چ ۸، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۹. میرزانیانیا، منصور؛ فرهنگ‌نامه کنایه، چ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۰. همایی، جلال‌الدین؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چ ۷، تهران، هما، ۱۳۷۰.